

ما چه می گوئیم

به

دانشجویان و دانش آموزان

مبارز و انقلابی



مهر ۵۸

دوستان در فقا، برادران و خواهران ساز و انقلابی!
 ما تا بحال از طریق اعلامیه های کوبانگون با امضا* هواداران ایچاد
 تکنیکات دمکراتیک* با شما سخن گفته ایم، آنچه در اینجا میاوریم توضیح
 بیشتری است در مورد مواضع و نقطه نظرات و از همه مهمتر زاویه برخورد ما به
 اوضاع و شرایط حاضر و وظایف پیش پای جنبش دانشجویی و دانش آموزی.
 آنچه که امروز بیش از همه آزار دهنده است عدم تحرک، راست روی و محافظه
 کاری و برکنده گی در جنبش دانشجویی و دانش آموزی مان میباشد. و این نه مولود
 شرایط عینی، بلکه نتیجه منطقی ترها و نظرات موجود در میان عناصر و جریانهای
 انقلابی و آگاه است. امروز شرایط برای برآوردن این جریان مبارزاتی بسیار
 آماده است. اوضاع بحرانی جامعه و در درجه اول بحران سیاسی موجود و انعکاس
 آن در میان محصلین و دانشجویان، یورش مشروطه طلبان و انحصارگران به دانشگاهها
 و مدارس و کوشششان برای برقراری جو خفقان آلود و دخالتهای قرون وسطائی شان
 در امور آموزشی، اداری و فعالیتهای کوناگون، همه و همه توده محصل و دانشجو را
 برای حرکتی مبارزاتی آماده و آماده تر میسازد.
 اینچنین است که میتوان و باید از این شرایط بهره جست و از دانشگاه و
 دبیرستان بنبابه سنگری برای خدمت به زحمتکشان میهن کمک گرفت. سکوت عین
 خیانت به رسالت و تعهدات ماست.
 از این زاویه است که ما حرکت خود را آغاز میکنیم.
 سازمان ما بر آن است که در حد توانائی خود به نیازهای جنبش
 دانشجویان و دانش آموزان پاسخ گوید و در این راه همگان را به یاری می طلبد.

★ ★ ★

کمیته مرکزی
 دانشجویان و دانش آموزان

شرایط جامعه ما امروزه بسیار حساس است. مبارزات قهرمانانه مردم لاوردادرسال ۵۷ که صرفت به یک انقلاب کامل د مکراتیک وطنی تبدیل گردد، اگرچه به سرنگونی سلطنت منجرگشت، اما باخطرغلبه جریانات مشروعنطلب ولیبرال و راست درمواضع رهبری، به سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی منجرگشته و انقلاب در نیمه راه متوقف گردید. سازشکاران پس از تکیه بر مواضع قدرت تمامی کوشش خود را متوجه توقف انقلاب و دستبرد به دستاوردهای مبارزات مردم نمودند. بجای پاسخ به نیازهای زحمتکشان په برآوردن حوائج سرمایه داران پرداختند، بجای دفاع از دهقانان برای مصادر لهلاک، از اربابان برای حفظ آن دفاع نمودند، و دریک کلام بجای اقدامات انقلابی و قاطع در جهت تحقق اهداف انقلاب د مکراتیک و ضد امپریالیستی خلق با هزاران ملامت گرسی کردند نظامات کهن را حفظ نمایند. و همه این حرکات ضد انقلابی به انکاعتماد ساده لوحانه توده به رهبری صورت پذیرفته است و کورنه شور و توان انقلابی توده تا بداند در چه بود که بتواند انقلاب را پیگیری نماید و کماکان نیز چنین است. امروزه توطئه های گوناگون برای جلوگیری از رشد و گسترش انقلاب در حال تکوین است. امپریالیستهای دارند بارها انداختن جنگهای - خانگی جامعه را فرسوده و آماده برای شبه کودتائی نماید. و طبیعی است این کار را با تاکتیکهای جدید و تحت نام انقلاب و غیره عملی خواهد کرد. در این توطئه تاریخی بزرگترین ابزار امپریالیستها ارتش است و هم از این روست که به تحکیم مواضع خود در آن مشغولند.

ضمن هفت ماه گذشته و بعد از قیام، وقایع بسیاری در جامعه ما بوقوع پیوسته. در عین وجو اوضاع انقلابی شرایط برای سازماندهی توده ها و مبارزه در جهت تداوم انقلاب بسیار آماده بوده و هست. در تمام این مدت کردستان و کیند در تک و تاب بود، مبارزات کارگران برای احقاق حقوق خود روبه رشد گذاشتند و دهقانان برای مقابله با ممالکین د لاوری ها کردند. همچنین آمادگی اوضاع ایرای تداوم انقلاب نشان میدهد. ولی ما کجا بود بپوچه کردیم؟ وقتی میگویم ما غرضمان پرداختن به مجموعه جنبش انقلابی و عناصر آگاه نیست، سؤالمان از قشر کوچکی از این مجموعه یعنی جنبش دانشجویی و دانش آموزی است. آیا جنبش دانشجویی و دانش آموزی ما در این دوران به وظایف سیاسی و سازمانی خود پاسخ داد؟ است؟ کجاست آن تشکیلات و سازمانی که جوینارهای پراکند را به مسیری واحد افکند و بطور موثر هدایت کند؟

در دوران رژیم شاه، دانشگاه همواره سنگر مبارزه بود و در جریان انقلاب عظیم مردمان، بویژه در سال ۵۷ ما شاهد قدرت و توان عظیم دانش آموزان بودیم. جنبش دانشجویی و دانش آموزی ما در گذر خسته بارها و بارها قدرت خود را به نمایش گذاشته و آمادگی خود را برای تداوم انقلاب نشان داده است. اما براتیک بوضوح نشان داده است که جنبش دانشجویی و دانش آموزی ایران در این مدت (از زمان قیام ۵۷ تا به امروز) به هیچ روی در انجام وظایف تاریخی خود موفق نبوده است. در این نیم سال که شرایط بعضی از هر زمان برای سازمان دادن این جنبش و ایفای نقش سیاسی، در جامعه آماده بوده، ما خود را به پراکنده کاری و خرد کاری مشغول کرده و به محافل کوچک خود دلیست نبودیم و بوقولی درخت را امید دیدیم و دیده از جنگل فرو میبستیم. فعالیتهای مانده در جهت بسیج توده، و نه در جهت رشد و تکامل سازمانی جنبش دانشجویان و دانش آموزان و نه در جهت تاثیرگذاری بر جامعه بوده، بلکه بیشتر به بازیهای کودکان

مکتب سیاست می مانده است. در یک کلام چارچار است روی و محافظه کاری بود بهیچا این در اصل ماست . امروز با هر دانشجو و دانش آموز آزاد بخواه و بیدار دلی که صحبت کنیم این در را بیان میکند . چه دانشجو و دانش آموزی که متشکل و چه آنان که غیر متشکلند این هرز روی نیروها رامی بینند .

اما در چنین شرایط حادی بجای سازمان دادن جنبش عظیم دانش آموزان و دانشجویان ، برخی میگویند که تنها دانش آموزان و دانشجویان کمونیست را باید تشکل داد ، برخی از این فراتر رفته و میگویند هوا - داران هر تشکلی در جنبش سیاسی ، در میان دانش آموزان و دانشجویان باید تشکیلات جداگانه خود را بسازند . عده ای با سر فرود آوردن در مقابل جوتعصب آلود حاکم بر جامعه فقط تشکل مسلمانان را وظیفه خود قرار میدهند و غیره . و همه مان در یک نقطه وجه اشتراک داریم آن اینکه سازمان دادن جنبش انقلابی با اهداف انقلابی واحد در تشکیلاتی واحد ، یعنی ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی را قبول نداریم .

بخود آئیم ! باراست روی و محافظه کاری به مقابله برخیزیم تا بتوانیم در راهی دیگرمان را درمان کنیم !

★ ★ ★

بطور کلی برای جنبش دانشجویان و دانش آموزان دو وظیفه موجود است . اول : وظیفه این جنبش نسبت به خود و دوم : وظیفه آن نسبت به کل جامعه .

اول : وظیفه این جنبش نسبت به خود .

این وظیفه سه گانه است . الف - بسیج و تشکل دانشجویان و دانش آموزان . ب - ارتفاع سطح آگاهی سیاسی آنان . ج - برنامه ریزی و هدایت مبارزات

سه جزایا بطور لاینفکی بهم مربوطند . بدون بسیج و سازماندهی توده قادر نیستیم سطح آگاهی را ارتفاع دهیم و مبارزات را رهبری نماییم و بدون رهبری مبارزات قادر نیستیم به بسیج و تشکل آنان همت گماریم و قس علیها . ما باید برای هر سه اینها برنامه داشته باشیم . سازماندهی مناسب داشته باشیم و برنامه آموزشی مناسب تدوین نماییم و بعبوض انفعال مبارزات توده را درمان میزنیم .

نکته ای که در اینجا حائز اهمیت است اینکه دانشجویان و دانش آموزان دارای طرز تفکرات گوناگون هستند و دیدگاههای فلسفی و نظرات سیاسی متفاوتی دارند . و عبارت دیگر در میانشان گروه بندیهای متفاوتی وجود دارد . آنچه که دو یا چند گروه بندی را به هم نزدیک و یا از هم دور میکند ، دیدگاه فلسفی آنان نیست . اعتقاد به این امر که ماده بر شعور مقدم است و یا شعور بر ماده تغییر در صفتند و یا دوری و نزدیکی سیاسی جریانات نمیدهد . یک نگاه اجمالی به گروه بندیهای موجود کونی بوضوح نشان میدهد که خط مشی سیاسی تعیین کننده ترین عامل است . ناکفته نماند که این خط مشی های سیاسی خود بین منافع طبقاتی گوناگونند . امروزه هستند نیروهایی که خود را چپ میدانند ، مانند حزب توده و سازمان انقلابی ، اما خط مشی آنان همواره با راست ترین و سازشکارترین جریانات موجود در جامعه منطبق بوده و هست . و هستند نیروهای مذهبی ، مانند سازمان مجاهدین خلق ، که خط مشی انقلابی داشته و بر دمکراتیسم پیگیر تکیه دارند . پس میبینیم که حزب توده و سازمان انقلابی گرچه با اصطلاح ماده را بر شعور مقدم میدانند ، اما از لحاظ خط مشی سیاسی از راست ترین مذهبیون هم راست ترند .

بدیده ما در تحلیل نهایی دو خط مشی موجود است اولی رفرمیسم و سازشکاری و دیگری دسمالیزم - تبسم انقلابی و پیگیری. آنچه که محک اصلی برای تشخیص این دو است، چگونگی برخورد با قدرت سیاسی حاکم بر جامعه و پورترتوده برای تکامل و تداوم انقلاب است.

در زمان رژیم شاه، ما بوضوح شاهد تقلا و حرکت ایندومنی بودیم. یکی سرنگونی رژیم و آن دیگری مبارزه در چار چوب رژیم را مطرح میکرد. امروزه نیز اینچنین است، یکی توقف انقلاب و دیگری تداوم آن تا حاکمیت کامل زحمتکشان را خواستار است.

دوم: وظیفه این جنبش نسبت به کل جامعه.

دانشجویان و دانش آموزان بخشی از جامعه و در ارتباط متقابل با اقشار و طبقات مختلف خلقند. مسائل آنان جدا از کل جامعه نیست و بطور کلی آنان متأثر از وقایع و جریانات سیاسی موجود در سطح جامعه اند، بالنتیجه ما چیزی بنام جنبش دانشجویی صرفاً دانشجویی نداریم. کسانی که سعی میکنند جنبش دانشجویان و دانش آموزان را به مسائل صنفی آکادمی و یا بقولی دیگر مسائل صرفاً دانشجویی محدود نماید در واقع خط مشی بورژوازی را برای آن ارائه میدهد. جنبش دانشجویی و دانش آموزان موظف است که چه از نظر سیاسی و چه از نظر عقلی در ارتباط با مردم حرکت نماید یعنی که چه از نظر شعارها و سیاستها، انقلاب در کل جامعه را در نظر داشته باشد و در جهت حل تضادهای بنیادی در جامعه حرکت نماید، و چه از نظر عقلی باید از تمامی امکانات خود برای پیوند با توده مردم استفاده جوید و در جهت انتقال آگاهی سیاسی به مردم کوشا باشد. کسانی که جنبش دانشجویی و دانش آموزی را صنفی و یا صنفی سیاسی ارزیابی میکنند، در واقع زمینه را برای به کج راه رفتن آن آماده میکنند. محور بسیج دانشجویان و دانش آموزان مسائل صنفی نیست، برای بسیج آن دو محور، یکی صنفی و دیگری سیاسی نداریم. تنها یک محور وجود دارد که آنرا بحرکت درمی آورد و آنهم مسائل سیاسی است. چرا که این جنبش به محض اینکه بخواهد در رابطه با مسائل جامعه فعال باشد، سیاسی میشود و جز این کجراه است.

اما اگر صحیح است که ما باید جایگاه خود را در میان دوشمی انقلابی و رفرمیستی تعیین کنیم و با اتخاذ مشی انقلابی و طرد رفرمیسم و به تداوم انقلاب یاری رسانیم، سمت و سوی درمقیاس جامعه نیز باید بسوی آن نیروهائی باشد که حاملین اصلی این انقلاب بوده و منافعیان، آنان را در جهت دگرگونی کامل نظام موجود سوق میدهد. لذا سمت و سوی ما باید بطرف زحمتکشان باشد. باید که با آنان جوش بخوریم، مسائل آنها را طرح و بر روی آن تبلیغ کنیم و آگاهی خود را نیز به آنها منتقل کنیم.

جنبش دانشجویی و دانش آموزی باید با اتخاذ مشی دمرکاتیم انقلابی به بسیج و تشکل تمامی نیروها و عناصری که در مجموعه این مشی معتقدند بپردازد. تمامی کسانی که بدعنوانیهای مختلف حریف این کار را میگیرند از پاسخ به وظایف طفره میروند. چه آن کسانی که تحت عنوان اختلاف ایدئولوژیک میگویند که مسلمانان باید تشکیلات جداگانه خود را داشته باشند و چه آن کسانی که تحت



همین عنوان مدعیند که تشکیلات مارکسیستها باید محزا باشد، از انجام این وظیفه طفره میروند. بدیهه ما تمامی مسلمانان انقلابی و مارکسیستهای انقلابی و بطور کلی تمام افراد انقلابی با هر دیدگاه فلسفی، مذهبی و مسلکی میتوانند در چارچوب تشکیلات دمکراتیک متحد گردند و به وظایف انقلابی خود پاسخ گویند. اینکه ما مسلمانیم یا مارکسیست تعیین کننده این امر نیست آیا ما میخواهیم به دفاع از آزادیهای دمکراتیک برخیزیم یا نه؟ اینکه آیا میخواهیم از خلق غیرکردستان دفاع کنیم یا نه؟ اینکه سعادت آنها باید از زندان آزاد شوند یا نه؟ اینکه آیا نیروهای ویژه کنترل در کارخانهها را افشا میکنیم یا نه؟ اینکه آیا موافق لغو قرارداد های استثمارگرانه با امپریالیستها هستیم یا نه؟ اینکه از دهقانان در مقابل ملاکین دفاع میکنیم یا نه؟ و در یک کلام آیا خواهان ادا انقلاب هستیم یا نه؟

بهر رو، بدیهه ما هر تقسیم بندی خواهد جدا از سیاستها و برنامهها باشد قلابی است و تفرقه را دامن میزند. میان آن کارگر مسلمان و آن سرمایه داری که نماز میخواند و روزه میگیرد دریایی از خون فاصله است، و فاصله میان یک مارکسیست انقلابی و یک مسلمان انقلابی نیز برای تحقق اهداف مرحله ای انقلاب از موناژکتر است. بطور کلی پیشبرد امر انقلاب جریانات گوناگون انقلابی اشتراک منافع دارند، همانگونه که اقتضای و طبقات انقلابی در این زمینه نیفتند. این وجه اشتراک است که مبنی واحد دمکراتیک برای متحد شدن انقلابیون را تعیین میکند.



مواضع یک سازمان دمکراتیک چگونه تعیین میشود

بطور کلی مواضع سازمان دمکراتیک در سه رابطه تعیین میشود:

- ۱- اهداف مرحله ای انقلاب دمکراتیک و ملی مردم میهن ما
- ۲- مسائل مشخصی که در راه رسیدن به اهداف انقلاب به پیش میاید.
- ۳- سطح تکامل و رشد جنبش

اما قبل از اینکه به این سه نکته بپردازیم توضیح یک نکته را ضروری میدانیم و آن اینکه در درون یک سازمان دمکراتیک جریانات گوناگون ضمن فعالیت مشترک برای انجام وظایف و تحقق اهداف سازمان بر سر سیاستها و برنامههای سازمان یا یک دیگر بحث مبارزه سیاسی درونی میکنند. این بحثها و مبارزه سیاسی درونی باعث اولاً: ارتقا آگاهی سیاسی توده های متشکل در سازمان و ثانیاً: تدقیق مواضع این سازمان میشود. اصولاً بدون مبارزه درونی یک سازمان دمکراتیک پویائی خود را از دست میدهد در این سازمان اصل مرکزیت دمکراتیک برقرار است. یعنی بر سر مسائل در درون سازمان بحث میشود و این بحثها جمع بندی شده و نتیجه به مواضع سازمان تبدیل گشته و به اجرا درمیآید. و با در موارد مشخص رهبری جمع بندی نموده و رهنمودهای لازم را میدهد. این رهبری خود منتخب توده متشکل در درون سازمان خواهد بود. و موضعی که اتخاذ میکند برای بدنه لازم الاجرا است. یعنی این سازمان به شیوه مرکزیت دمکراتیک اداره میشود. البته انتقادات و نظرات مخالف به بحث



گذشته میشود تا از آن جمعبندی شود .

حال توضیحاتی در مورد سه نکته یاد شده بدییم

۱- اهداف مرحله‌ای انقلاب دمکراتیک ملی مردم میهن ما .

بطور کلی حداکثر مواضع یک سازمان دمکراتیک را اهداف مرحله‌ای انقلاب تعیین مینماید . انقلاب دمکراتیک ملی مردم میهن ما باید با به هم زدن مناسبات اصلی مالکیت راه رشد نیروهای مولده را هموار کند . انقلاب باید تمامی سرمایه‌های وابسته به امپریالیسم و بوروکراتها را مصادره و ملی گرداند . میباید که تمامی قراردادهای اسارتی اقتصاد ، سیاسی و نظامی با امپریالیست‌ها و گشته و کلیه مستشاران از کشور اخراج گشته و بانکها و سرمایه‌ها و امتیازات امپریالیست‌ها و تمامی منابع طبیعی ملی گردند . باید که زمینها مصادره گشته و دهقانان و اگزار شود ، قوانین کار دمکراتیک زیر نظر اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری تنظیم گردند و آزادی بیان و قلم و اجتماعات تأمین گشته و حقوق ملیتهای مختلف حفظ گردد و برابری واقعی میان زن و مرد برقرار شود . شوراهای واقعی انقلابی که قانون گزار و مجری قوانین و تجلی قدرت توده باشد ، ایجاد گردد

پس اهداف مرحله‌ای انقلاب حداکثر این سازمان دمکراتیک را تعیین مینماید . بطور مثال اگر دوستانی معتقد به سوسیالیسم علمی باشند نمیتوانند این اعتقاد خود را به موضع سازمان دمکراتیک تبدیل نمایند و اصولاً چنین تلاشی مگر تفرقه بیار نخواهد آورد .

۲- مسائل مشخصی که در راه رسیدن به اهداف انقلاب به پیش میآید .

در جریان تکامل انقلاب همواره مسائل مشخصی به پیش میآید که گره‌ای میشوند و برسر چگونگی برخورد به این مسائل دو یا چند جریان شکل گرفته و زمانی میرسد که موضعگیری بر سر آن مسئله مشخص وحدت یک تشکل دمکراتیک قرار میگیرد و به بخشی از مواضع آن تبدیل میگردد . و اصولاً چگونگی موضع گیری بر سر آن مسئله مشخص تعیین میکند که فرد بروی دمکراتیسم انقلابی تکیه دارد یا لیبرالیسم بورژوازی . بطور مثال یک تشکل دمکراتیک انقلابی ، که در راه سرنگونی رژیم پهلوی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم مبارزه میکرد ، در شرایطی که جریانات لیبرالی در درون جامعه بحرکت درآمدند و با منشور و برنامه خود کوشش داشتند جنبش را به زیر بال و پر خود بکشند (سال ۵۶) ، می‌بایستی که موضع خود را در قبال آن مشخص مینمود . بدون موضعگیری علیه مشی لیبرالی و سازشکاران و کوشش برای زدودن جنبش از این غلفهای هرز ، تشکیلات قادر نمیشود که بروی مشی انقلابی خود استوار باقی بماند .

بطور کلی وقتی سئوالات نوین در نهضت مطرح میشود ، یک تشکیلات دمکراتیک میباید که بر پایه مشی انقلابی خود ، پاسخی انقلابی به این سئوالات بدهد . سکوت و عدم موضعگیری ، آغاز سیر قهرانی این تشکیلات خواهد بود . البته لازم به توضیح است که این موضعگیری باید در چارچوب موازین دمکراتیک باشد و به عبارت دیگر این تشکیلات نمیتواند و نمی‌باید که بروی مواضع ایدئولوژیستیک موضعگیری نماید .

۳- سطح تکامل و رشد جنبش

کتابخانه
موسسه

سازمان دمکراتیک با رشد و تکامل جنبش و در اثر مبارزه درونی خود و بحث بروی مواضع و موازین سطح مواضع خود را ارتقا میدهد. سازمان با اختلاف نظر بروی هر مسئله جزئی و یا مسئله ای که در آن مقطع خاص تعیین کننده نیست، صفوف خود را به انشعاب نمیکشاند. بسیاری مواضع هستند که در چارچوب انقلاب دمکراتیک میگذرد ولی الزاماً موضعگیری در مورد آنها در یک مقطع مشخص معیار برای سازمان دمکراتیک نمی باشد.

گفتیم که سازمان دمکراتیک دانشجویان و دانش آموزان بغیر از تلاش و کوشش برای بسیج و تشکل در سطح دانشگاهها و مدارس و بغیر از ارتقا آگاهی سیاسی توده های دانشجوی و دانش آموز و بغیر از مبارزه مشخص در سطح دانشگاهها برای شرکت در امور سیاسی و صنفی و غیره از طریق شوراهای مدارس و دانشگاهها، می باید در مبارزات توده مردم شرکت داشته و تاثیر گذاری روی این مبارزات را یکی از وظایف اساسی خود قرار دهد. دانشجویان و دانش آموزان نمی توانند و نباید که نسبت به مسائل اجتماعی - سیاسی درون جامعه بی تفاوت باشند. آنها می باید به تبلیغ نظرات خود در باره مسائل بپردازند و آگاهی های خود را به مردم ببرند.

نگاهی به ۷ ماهه بعد از قیام بیفکیم. بسیاری مسائل اساسی در جامعه ما بوقوع پیوسته است. صحرترین مسئله کردستان و تلاش برای سرکوب انقلاب در آنجا بوده است. از شش ماه قبل پیش بینی میشد که کردستان در وضعی انقلابی بسر برده و کمک و یاری تملی آزاد پخواهان را میطلبید. جنبش دانشجویان و دانش آموزان می بایستی که بیای تبلیغ خواستهای این خلق دلیر رفته و با کمکهای مادی و معنوی خود آنان را تقویت میکرد و مهمتر از همه با توضیح و تبلیغ آرمانهای آنان اجازه نمیداد که مشروطه طلبان و لیبرالها و نیز عمال ارتجاع با تبلیغات یک جانبه ذهن مردم را منحرف کرده و زمینه را برای یک سرکوب آماده کنند. این یک وظیفه عظمی مقابل پای ما بود که میباید انجام میدادیم و ندادیم و مسئولیم. دهها نمونه دیگر میتوان نام برد و صد ها نمونه دیگر نیز در آینده مطرح خواهد گشت.

نگاهی کوتاه به گذشته نهضت دانشجویی ما نشان میدهد که دانشگاه و مدارس همواره سنگبر مبارزه بوده است و حتی در شرایطی که در جامعه جریان سیاسی محسوسی بچشم نمیخورد، اعتراض خود را نسبت به ظلم و ستم و بیانیان آن ابراز نموده. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، این دانشگاه بود که در آستانه سفر نیکسون (معاون رئیس جمهور وقت آمریکا) صدای اعتراض خود را بلند کرد و بسا بجا گزاردن سه شهید پرچم رزم دانشجویان را برافراشته نگاه داشت. در چهل جهان پهلووان تختی ما شاهد تلاش موفقیت آمیز دانشجویان برای تبدیل آن به جریانی سیاسی برعلیه رژیم خود - کامه پهلووی بودیم. در اسفند ماه ۱۳۴۸ می دیدیم که چگونه دانشجویان و دانش آموزان در جریان انویوس رانی به میان مردم رفته و در جهت ارتقا آگاهی سیاسی آنان کوشیدند، در جریان جشنهای ۲۵۰۰ ساله، بهنگام لشکرکشی شاه به عمان و در دهه ضد انقلاب سفید ما دیدیم که چگونه دانشجویان فریاد بر میاورند که "انقلاب سفید دروغ است، انقلاب سرخ باید". بالاخره در سالها

۵۶ و ۵۷ که نهضت رو به اعتلا رفته و به بحرانی انقلابی تبدیل می‌شد، باز ما نقش موثر دانشجویان و دانش‌آموزان را دیدیم. و چرا الان نبینیم. همه دانشجویان و دانش‌آموزان آگاه و بیدار باید که به این ضرورت پاسخ گویند و در جهت ایجاد سازمانی دمکراتیک و سرتاسری، کوشش نمایند.

★ ★ ★

در مرحله کنونی از جنبش آزاد خواهانه و استقلال طلبانه ملت عبور ایران، مواضع و موازین زیر را برای ایجاد تشکیلات دمکراتیک دانشجویان و دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کنیم.

۱- سازمان باید دمکراتیک باشد. بعبارت دیگر سازمان دمکراتیک دانشجویان و دانش‌آموزان نمی‌تواند ایدئولوژی خاصی را اتخاذ نماید و یا نقش پشت جبهه‌ای، "سازمانی رابعه‌ده" کیبرد اگر چه این حق دمکراتیک هر عضو است که به تبلیغ ایدئولوژی و نظرات خود بپردازد، اما حرکت سازمان بر اساس مواضع و موازین سیاسی - دمکراتیک آن صورت می‌گیرد. این سازمان باید از اصل مرکزیت دمکراتیک پیروی نماید. یعنی تمام تصمیماتش بر این اساس اتخاذ کردند.

۲- اعتقاد بر این امر که انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم میهن ما پایان نیافته است. و بعبارت دیگر وظیفه مرکزی انقلابیون مبارزه برای تکامل این انقلاب تا سرانجام نهایی است. درجریان قیام اگر چه ضریات بسیاری بر مواضع ارتجاع و امپریالیسم وارد گشت اما باقی‌شده شدن مواضع جنبش توسط لیبرالها و سازشکاران، این انقلاب نیمه تمام ماند. امروزه اعتقاد به این امر مبارزه در جهت تحقق کامل اهداف انقلاب و در این راه مبارزه با مشروطه طلبی و فرمیسم، معیاری برای وحدت جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ماست. نمی‌توان معتقد به پایان انقلاب بود، قدرت سیاسی حاکم را انقلابی ارزیابی نمود و در عین حال بروی مشی دمکراتیسم انقلابی پابرجا ماند. قدرت حاکم نه نماینده ائتزارو طبقات انقلابی یعنی زحمتکشان جامعه، بلکه حاصل سازش بورژوازی لیبرال با ارتجاع و در این مسیر رشد مشروطه طلبان و قبضه کردن مواضع قدرت بدست آنان می‌باشد.

سیاست و عملکرد دولت در این ۷ ماهه بهترین گواه بر این مدعا است. بازسازی و استحکام ارتش، بازگذاشتن سرمایه داران کمزور و وابسته، عدم لغو قراردادها، نظامی و اقتصادی با امپریالیسم دفاع از مالکین در مقابل دهقانان و قوانین ضد کارگری و مخالفت با شوراهای توده‌ای مردم و یورش به مطبوعات و برقراری مجلس "خبرگان" آنچنانی تصویب قانون اساسی آنچنانی، تنها نمونه‌هایی هستند

۳- ما در جنبش آزاد خواهانه و استقلال طلبانه مردمان همواره شاهد مبارزه میان دوشمنی انقلابی و لیبرالی بوده ایم. یکی خواهان دگرگونی بنیادی و دیگری خواهان اصلاحات در چارچوب رژیم بودند. و پیروزی یا شکست هر نهضتی بستگی به چگونگی تکامل مبارزه میان این دوشمنی دارد. مشی انقلابی خواهان دگرگونی بنیادی است و مشی لیبرالی اصلاحاتی سطحی را خواهان است.

مرزبندی انقلابیون با مشی لیبرالی نه تنها قبل از قیام مطرح بوده، بلکه امروزه نیز مطرح است. لیبرالها ضمن مخالفت‌های با استبداد و امپریالیسم، همواره سعی دارند که بر جنبش توده‌ای مردم مهار زده و از بسط و گسترش انقلابی آن جلوگیری کنند. اگر قبل از قیام این سیاست آنان در چگونگی برخورد به دربار پهلوی و مسئله پیشبرد انقلاب مسلحانه توده‌ای متبلور گشت، امروزه در چگونگی

ادامه مبارزه برای سرنگونی کامل ارتجاع، خرد کردن ماشین دولتی و مقابله با امپریالیسم و قطع وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به امپریالیستهای جهانخوار متبلور میگردد. پس امروزه نیز مرزبندی بالیبرانیسم یکی از معیارهای انقلابی بودن است و سازمان دمکراتیک دانشجویان و دانش آموزان میبایستی چنین مرزبندی داشته باشد. تا بتواند بروی مشی انقلابی استوار بماند.

۴ - بطور کلی در اجتماع آن نیروهای که خواهان دگرگونی بنیادی هستند و انقلاب بیش از همه در خدمت آنان است و خود آنان نیروی اساسی انقلاب را تشکیل میدهند، زحمتکشان شهر و روستا هستند. از این رو سازمان دمکراتیک که بروی مش دمکراتیسم انقلابی استوار است میبایستی سمت و سوی زحمتکشان را داشته و از نظر سیاسی و عطفی خود را در خدمت آنان قرار دهد. در تبلیغات - سیاسی خود، در فعالیتهای و برنامههای عطفی خود باید آنان را مدنظر داشته باشد و در جهت پیوند با آنان باشد.

۵ - سازمان دمکراتیک دانشجویان و دانش آموزان وظیفه دارد از مبارزات تمامی اقشار و طبقات خلقی مدافع برخیزد و تمامی جنایات ارتجاع و امپریالیسم، مالکین و سرما بیداران را افشا نماید. مدافع از تمامی نیروهای مبارز، صرف نظر از وابستگی سیاسی - ایدئولوژیکی آنان، شرط پیگیری در مشی انقلابی است. چشم پوشی از این مدافع، تحت هر عنوان، تنها نمایشگر تعصب و کونه نظری و اجتناب از انجام وظایف میباشد.

۶ - در جریان تکامل انقلاب، انقلابیون همواره باید که صف دوست و دشمن را باز شناخته و بطرد دشمنان انقلاب همت گمارند. دشمنان انقلاب به دو گونه اند. یکی آنان که آشکار و صریحاً به ضدیت با انقلاب برخیزند و دیگری آنان که تحت لوای انقلاب برای سوار شدن بر جنبش کوشش میکنند. لارودسته کمته مرکزی حزب توده یکی از نیروهای گروه دوم است. این حزب نه تنها با سیاستهای راست خود سعی داشته جنبش را به گجراه رفرمیسم بکشاند، بلکه علاوه بر آن امروزه عامل سیاستهای مرتجعانه شوروی در ایران میباشد و خود نیز اینرا از افتخاراتش می شمارد. اینان به تبع "حیبه واحد ضد دیکتاتوری" نشان سعی داشتند که با جناحهایی از هئیت حاکمه جبهه واحد تشکیل دهند و همزمان با آن از اقدامات ساه در فروش حاصل دستبرخ زحمتکشان به شوروی مدافع میکرد و آن را در جهت استقلال کشور (البته تحت رهبری اعلحضرت) ارزیابی میکرد و حتی فرونر اسلحه شوروی به شاه خائن را در جهت استقلال ایران دانسته و تبلیغ میکردند. و پس از قیام بهمین نحو عمل کرده و میکنند. هم با تزهایی قلابی خود، بجای تشویق زحمتکشان به مبارزه برای استقرار واقعی خود، آنان را به گدائی از بورژوازی دعوت کرده و حرکت انقلابی زحمتکشان را ارتجاعی چپ روانه معرفی میکند و هم دولتیان را نصیحت میکند که بدون وابستگی به شوروی امکان استقلال میهن نیست. در واقع هدف آنان کاهش نفوذ آمریکا و افزایش نفوذ شوروی است و نامشرا نیز همبستگی بین الطلی میکرارد.

همچنین ما در صحنه میهن نیروی بظاهر متضاد با کمته مرکزی حزب توده می بینیم که خود روی دگر سیاستهای او را ارائه میدهد. اگر کمته مرکزی حزب توده با حرکت از منافع دولت مرتجع

شوروی با مخالفت‌هایی با آمریکا بلند میشود. اینان تحت مقابله با شوروی، با پیروی از سیاست‌های - خارج، چین کمونی، به دفاع از منافع آمریکا برمیخیزد. در دوران رژیم مغز پهلوی حرکات شاه را مستقل وطنی و در جهت منافع خلق ارزیابی میکردند و امروزه هر حرکتی را که به تحکیم آمریکا بینجامد اما جلوی نفوذ شوروی را بگیرد، انقلابی ارزیابی میکنند. "سازمان انقلابی" سردمدار این حرکت در میهن ماست. در یکی بودن این دو همین بس که قبل و بعد از قیام در برخورد به قدرت سیاسی و جنبش انقلابی توده و جنگونگی تکامل انقلاب، هر دو سیاست و برنامه واحدی ارائه دارند.

۷- دمکراتیسم انقلابی می‌باید که دشمنان خود را در صحنه بین المللی و بویژه آنجا که مربوط به پیشبرد امر انقلاب در میهن میشود، راه را تعیین نماید. امپریالیسم جهانی، سگان زنجیرشان و دیگر مرتجعین، دشمنان انقلاب در صحنه جهانی هستند. و امروزه جنبش‌های آزاد بیختر در مقابله با اینان است که می‌باید به پیروزی برسد. دمکراتیسم انقلابی در این مسیر، بخاطر عمده بودن تقابلش با امپریالیسم آمریکا، نمی‌تواند دولت ضد خلق شوروی را دوست شمارد. سیاست ارتجاعی شوروی در صحنه جهانی بویژه در دهه اخیر در مقابله با امر پیشرفت انقلاب جهانی بود و از اینرو هر چند که سازمان دمکراتیک و ضد امپریالیستی مانوک پیکان حمله خود را متوجه امپریالیسم آمریکا دشمن عمده خلق‌های ایران مینماید، لکن اگر که بخواهد بر مشی دمکراتیسم پیگری و انقلابی خود پاید - ار بماند، باید که با سیاست‌های ارتجاعی شوروی نیز مرزبندی قاطع داشته باشد.

همچنین برای پیشبرد مشی انقلابی مرزبندی با سیاست‌های مرتجعانه رهبری کمونی چین در صحنه جهانی و در ارتباط با ایران امری لازم است. رهبری کمونی چین تحت عنوان جلوگیری از جنگ، تقویت یک بلوک جنگی دیگر، تحت نام جلوگیری از نفوذ شوروی، تقویت نفوذ آمریکا تحت عنوان صلح جهانی، تبلیغ سازش طبقاتی را مینماید. ما سفر هواکوفنگ در اوج انقلاب و دفاع از شاه را فراموش نکرده ایم نمی‌توان مطرح نمود که مسائل بین‌المللی اهمیتی ندارند. انقلاب ما بخشی از انقلاب جهانی بر علیه امپریالیسم و ارتجاع است و بالنتیجه بایستی که جایگاه خود را در صف انقلاب و ضد انقلاب جهانی تعیین نماید. نگاهی کوتاه به تجربیات تاریخ مبارزات مردمان و انحراف در این زمینه و شکست‌های ناشی از آن اهمیت این امر را روشن میکند. در انقلاب مشروطیت، برای مدتی انگلستان ماسک لیبرالی بر چهره کرپه خود زد و بودند کسانی که فریب او را بخوردند. و در سال‌های طی شدن نفت بودند کسانی که آمریکا را مهد آزادی و تمدن به مردم ما معرفی میکردند و انقلاب چین و کره را فاجعه برای بشریت میدیدند و این انحراف و تنگ نظری‌ها ضربات بسیاری بر نهضت وارد آورد.

نگذاریم تاریخ تکرار شود. نگذاریم تحت عنوان دفاع از سوسیالیسم، شوروی را دوست مابنمایانند و زمینه را برای سربریدن‌های آینده فراهم کنند. دفاع شوروی از انقلاب سفید "و محکوم نمودن قیام ۱۵ خرداد و فروش اسلحه شوروی به شاه را فراموش نکرده ایم. سرکوب انقلابیون اربیره، امضا بیمان صلح راجرز با آمریکا بر علیه منافع خلق فلسطین و و و و فراموش نشده است.

۸- در صحنه بین المللی دوست مردم ما، جنبش‌های آزاد بیخش وطنی خلق‌های جهان، کارگزاران و کشورهای مترقی و انقلابی اند.

دفاع بی فید و شرط از مبارزات خلقهای جهان بر علیه ارتجاع و امپریالیست جهانی از وظایف انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما میباشد و می باید که بروی این امر تاکید ورزیم. بویژه دفاع از مبارزات خلقهای دلاور فلسطین و عمان حائز اهمیت فراوان میباشد.

۹- سازمان دمکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان می باید که به طرق مختلف به بسیج هر چه بیشتر توده های دانشجوی و دانش آموز پرداخته، آگاهی سیاسی آنان را ارتقا دهد و مبارزات آنان را رهبری نماید. این سازمان می باید که بطرق مختلف از جمله از طریق شوراهادر سرنوشت دانشگاهها و مدارس شرکت خلاق نماید و اجازه ندهد که جریانات مرتجع و لیبرال و مشروعه - طلب آموزشگاههای ملکت را به مسیری غیر مردمی و ضد انقلابی هدایت نمایند. این حق مسلم ماست که در تعیین سرنوشت موسسات آموزشی شرکت مستقیم داشته باشیم.

در خانه از تمامی دانشجویان و دانش آموزان آزاد بخواه و استقلال طلب، از تمامی سازمانها و گروههای انقلابی، صرف نظر از وابستگی ایدئولوژیک و مسلکی خود میخواهیم که نظرات خود را بطور مشخص در مورد مسائل مطروحه از جانب ما بیان دارند.

ما با ایجاد سازمان خود در راه تحکیم و گسترش این سازمان و گسترش سازمان واحد سرتاسری دمکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان میکوشیم و دست همگان را برای همکاری در راه تحقق اهداف فوق میفشاریم. ما را یاری رسانید!

★ ★ ★

پیش بسوی
ایجاد سازمان واحد و سراسری
دانشجوئی

و

دانش آموزی
دانشجوئی

کتابخانه
دانشجوئی
تاسیس ۱۳۰۵